

چوب معلم دیگر گل نیست

اصل و شرح

هر چه در گذشته می‌گفتند چوب معلم گل... این روزها از این خبرها نیست. چرا که با ابلاغ بخشنامه جدید «تنبیه بدنی دانش آموزان و سوء رفتار با آنان به هر دلیل و تحت هر شرایطی» ممنوع است. علیرضا کاظمی با ابلاغ این بخشنامه

اشتباهی به نام ۳ ماه تعطیلی

مجموع ساعات آموزشی در مدارس ایران کافی نیست



جامعه

امروز

محمد سرابی | روزنامه‌نگار

یادگیری دانش آموز بستگی مستقیم به ساعت‌های حضور او در کلاس درس دارد. مخصوصا دانش آموزان

ابتدایی بیشتر به این زمان آموزشی احتیاج دارند زیرا به آنچه از زبان معلم فرامی‌گیرند، نیازمندند. براساس قانون، در دوره ابتدایی دانش آموز باید ۹۲۵ ساعت در کلاس باشد، اما

۳ ماه تعطیلی

انتقاد از برنامه سالانه تشکیل کلاس از سال ۱۳۹۰ (و آغاز تعطیلی پنجشنبه‌ها شروع شد. در ۱۰ سال اخیر تعطیلی‌های گاه و بیگاه پاییز و زمستان، به تعطیلی طولانی مدت تابستانی افزوده شده و مجموع ساعات‌های تشکیل کلاس درس را کاهش داده است. در ایران تعداد هفته‌های سال تحصیلی ۳۷ هفته است که در عمل به کمتر از ۳۰ هفته می‌رسد. در مقابل در کشورهایی مانند ایتالیا، کانادا، ژاپن، آلمان و... کلاس‌های درس در ۴۰ هفته تشکیل می‌شوند. گروهی از پژوهشگران با تعطیلی طولانی مدت ۳ ماه تابستان مخالف هستند. یک کارشناس آموزش و پرورش در

رقابت جهانی

رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش به استناد «مطالعات تیمز و پرلز» گفته است که زمان آموزش در ایران، نسبت به دیگر کشورهای برگزارکننده این آزمون‌ها کمتر است. آزمون تیمز و پرلز امتحان بین‌المللی سنجش سطح ریاضی و علوم پایه در مدارس است که در ایران هم برگزار می‌شود. حجت‌الاسلام علی لطیفی گفته است که دانش‌آموزان بقیه کشورهای شرکت‌کننده در این آزمون، ساعات‌های بیشتری سر کلاس درس هستند. او با اشاره به اینکه وزیر آموزش و پرورش دستور بررسی زمان آموزش را داده است، تأکید کرده که به نسبت زمان کلاس‌های درس، برنامه و کتاب‌های درسی سهم کمتری در افت تحصیلی دانش‌آموزان ایرانی دارد. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی که لطیفی ریاست آن را برعهده دارد، مسئول تدوین و انتشار کتاب‌های درسی است.

بنیادین برای حفظ سرمایه‌های اصلی نظام تعلیم و تربیت است لذا در صورت تعرض به همکاران فرهنگی و هرگونه توهین، تنک حرمت و ضرب و جرح نسبت به ایشان واحدهای حقوقی ادارات کل آموزش و پرورش استان‌ها، شهرستان‌ها، مناطق و نواحی مکلفند علاوه بر پیگیری فردی به موجب قانون حمایت قضایی از کارکنان دولت، نسبت به ارائه خدمات حقوقی اقدام کنند.

تأکید کرده که براساس ماده ۸۱ آیین‌نامه اجرایی مدارس مصوب سال ۱۴۰۰ کمیسیون معین شورای عالی آموزش و پرورش، تنبیه بدنی دانش آموزان و سوء رفتار با آنان به هر دلیل و تحت هر شرایطی ممنوع است و با متخلفان برابر قوانین و مقررات رفتار می‌شود. البته او در گوشه‌ای از این بخشنامه‌های همکارانش را هم داشته و گفته تکریم و حفظ شأن و جایگاه معلمان یک ضرورت

پایان صف ۶ میلیونی کارت ملی

وزیر کشور همزمان با تغییر رئیس سازمان ثبت احوال بر رفع عقب‌ماندگی صدور کارت ملی در کوتاه‌مدت تأکید کرد



نمایه امروز

کارت ملی مهم‌ترین سند هویتی ایرانیان است اما پلاستیک تولید داخل کشور به اندازه کافی برای ساخت کارت وجود ندارد و عده زیادی از ایرانی‌ها، سال‌هاست که در انتظار دریافت آن مانده‌اند. پس از انتقادات بسیار از این عقب‌ماندگی، چندروز پیش رئیس سازمان ثبت احوال ناگهان یوید بر نامه جدید ارائه شود. مراسم تکریم و معارفه رؤسای قدیم و جدید به صراحت گفت که عقب ماندن از صدور ۶ میلیون کارت ملی شایسته این سازمان بزرگ نیست و برای کوتاه‌مدت باید برنامه جدید ارائه شود. مدیران ثبت احوال دلیل تأخیر در صدور کارت‌های ملی را نبود مواد مورد نیاز برای ساخت بدنه و تراشه‌های درون کارت اعلام کرده‌اند. اگر کمبود پلاستیک داخلی باعث صادر نشدن کارت شده باشد، تغییر مدیران تأثیری در روند کار نخواهد داشت مگر اینکه از ماده دیگری برای ساخت کارت‌ها استفاده شود.

اگر بدنه پلاستیکی

و تراشه تامین

شود این سازمان

می‌تواند ماهانه بیش

از ۲ میلیون کارت

صادر کند

عکس با تأیید صاحب عکس

کارت‌های ملی و ارائه مستمر و بدون قطعی خدمات الکترونیک است. سازمان ثبت احوال در سال‌های اخیر اقداماتی برای به‌روزرسانی در زمینه ارائه خدمات الکترونیک انجام داده است. حذف اسناد فیزیکی، سامانه برخط احراز هویت الکترونیکی، صدور غیر حضوری شناسنامه نوزاد، صدور خودکار گواهی انحصار وراثت، ایجاد پایگاه اطلاعات خانوار و تاسیس «مرکز رصد جمعیت کشور» از این گروه اقدامات است. ثبت احوال با داشتن بیش از ۱۱۳ میلیون رکورد (واحد) اطلاعاتی، یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های داده کشور محسوب می‌شود و به بیش از ۳۰۰ دستگاه بهره‌بردار خدمات استعلام هویتی ارائه می‌کند.

مهم‌ترین خبری که در هفته پیش از تغییر رئیس ثبت احوال منتشر شد، این بود که عکس روی کارت ملی با رضایت صاحب عکس ثبت خواهد شد. حامد معیر، معاون نوآوری و هوشمندسازی سازمان ثبت احوال گفته بود که از این پس زمانی که عکس کارت ملی گرفته می‌شود، تصویر به‌دست آمده در یک صفحه نمایشگر به شهروند نشان داده می‌شود و در صورت تأیید او برای ثبت در روی کارت ملی ذخیره خواهد شد. اصلاح روند عکسبرداری برای کارت ملی ممکن است اقدامی برای رضایت‌مندی بیشتر شهروندان باشد اما آنچه رضایت عمومی را تأمین می‌کند، صدور

بدون تراشه با پلاستیک داخلی

ثبت احوال قبلا خبر داده بود که اگر بدنه پلاستیکی و تراشه تامین شود این سازمان می‌تواند ماهانه بیش از ۲ میلیون کارت صادر کند و در چندماه تمام عقب‌ماندگی جبران می‌شود. حتی اعلام شد که کارت‌های جدید ممکن است بدون تراشه ساخته شوند. این تدبیرها تاکنون به مرحله اجرا نرسیده است. اسکندر مومنی، وزیر کشور در مراسم تکریم و معارفه رئیس ثبت احوال با اشاره به اینکه تا سال ۱۴۸۰ جمعیت ایران به کمتر از ۴۰ میلیون نفر خواهد رسید، گفت: «هرچقدر هم که در بخش‌های مختلف از توسعه و پیشرفت سخن بگوییم، زمانی که میلیون‌ها نفر پس از چند سال همچنان در انتظار دریافت کارت ملی باشند، این ادعا باورپذیر نخواهد بود.» او با اشاره به تصمیمات گرفته‌شده در شورای معاونان وزارت کشور بیان کرد: «کار گروه مشخصی برای رسیدگی به این موضوع تشکیل شده و مصوبات لازم نیز وجود دارد. انتظار می‌رود با هماهنگی و همکاری سایر بخش‌های وزارت کشور، این عقب‌ماندگی‌ها در کوتاه‌ترین زمان ممکن جبران شود. برای حل این عقب‌ماندگی باید از همه ظرفیت‌های سرمایه انسانی سازمان نیز استفاده مناسب شود.»

کار هست اما کارمند نیست

فرماندار بندر انزلی سرزده به اداره جهاد کشاورزی این شهر رفته و متوجه شده که از ۲۰ کارمند فقط ۲ نفر در محل کارشان حضور دارند. در فیلم منتشرشده از بازدید محمد صالح فضاپی، فرماندار بندر انزلی دیده می‌شود که به یکی از کارمندان حاضر در محل می‌گوید: «حضور بموقع رئیس،

حد اکثری نمی‌آیند و کار مرا جمع‌کنندگان روی زمین می‌ماند؛ بهانه هم که جور است و به‌صراحت می‌گویند: «دولت دور کاری داده است.» حالا که هیچ نظارت سازمانی بر این موضوع وجود ندارد، بد نیست لاقال مسئولان مانند این آقای فرماندار گاهی به ادارات تحت مدیریت‌شان بدون اعلام سر بزنند.

معاونان و کارکنان ادارات در ساعات رسمی کاری به‌منظور ارائه خدمات مطلوب به مردم ضروری است.» این پدیده البته مختص اداره جهاد کشاورزی بندر انزلی نیست و در این سال‌ها که ادارات هر روز به بهانه نائزای اثری، آلودگی و یا سرمای هوا نیمه تعطیل هستند، بیشتر می‌بینیم که کارمندان

مکتب مولانا؛ زنده به زبان فارسی

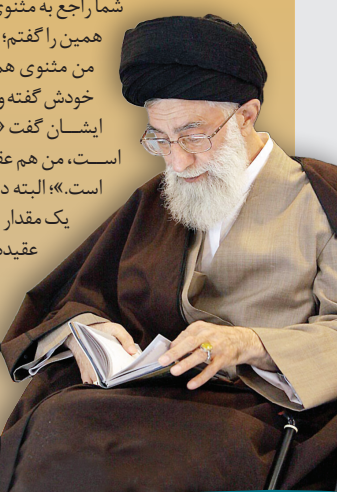
واکنش شاعران و استادان ادبیات دانشگاه‌ها به صحبت‌های شهرام ناظری درباره حفظ نام مولانا توسط ترکیه

مکتب

مثنوی «و هو اصول» است

شهرام ناظری در ابتدای صحبت‌هایش در دانشگاه سلجوق گفته است: «مستولان و دولتمردهای ما به مشاهیر و عرفای ما خیلی علاقه‌مند نبودند.» حال اینکه آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، مثنوی معنوی را «اصول اصول دین» توصیف کرده‌اند. ایشان در دیدار با شاعران در بیست‌ونهم

شهریور سال ۱۳۸۷ مولانا را به‌عنوان یکی از قله‌های شعر فارسی یاد می‌کنند. در آن دیدار به خاطرهای با شهید مطهری اشاره کرده و فرموده‌اند: «یک بخش مهمی از شعر آیینی ما می‌تواند متوجه مسائل عرفانی و معنوی بشود و این هم یک دریای عظیم است. شعر مولوی را شما ببینید. اگر فرض کنید کسی به دیوان شمس به‌خاطر زبان مخصوص و حالت مخصوص دست‌رسی نداشته باشد که خیلی از ماها دست‌رسی نداریم و اگر آن را کسی یک‌فردی دور دست بداند، مثنوی، مثنوی؛ که خودش می‌گوید و هو اصول اصول اصول الدین، واقعا اعتقاد من هم همین است. یک وقتی مرحوم آقای مطهری از من پرسیدند «نظر شما راجع به مثنوی چیست؟»، همین را گفتم؛ گفتم «به‌نظر من مثنوی همین است که خودش گفته و هو اصول...» ایشان گفت «کاملا درست است، من هم عقیده‌ام همین است.» البته در مورد حافظ یک مقدار با هم اختلاف عقیده داشتیم.»



گزارش

گروه گزارش | دیروز ویدیویی از شهرام ناظری، خواننده مشهور ایرانی در فضای مجازی منتشر شد که واکنش‌های زیادی به همراه داشت. او در دانشگاه سلجوق ترکیه در سخنانی گفته است: «مستولان و دولتمردهای ما به

مشاهیر و عرفای ما خیلی علاقه‌مند نبودند. هیچ‌گاه هیچ‌کدامشان نخواستند یک‌بار ببینند مولانا را ببینند. یا اصلا راه دور است؛ همان در خود ایران، شاید بزرگ‌ترین عرفای کره زمین و عالم بشریت در خاک خودمان ایران خوابیده‌اند، مثل با یزید بسطامی، مثل

مردم ایران هنوز مثنوی می‌خوانند

میلاد عظیمی، مدرس دانشگاه و پژوهشگر ادبیات؛ وقتی پای ترکیه در میان است که در این حوزه بی‌تردید رقیب فرهنگی ایران است و فرهنگ را آگاهانه از آزار سیاست می‌داند، دیگر نمی‌توان به‌سادگی از کنار چنین داورِ ی‌ای گذشت. نمی‌دانم مراد آقای ناظری از «نگهداشتن مکتب مولانا» دقیقا چیست و چه باید کرد که این مکتب زنده بماند، اما می‌دانم با وجود خدمات ارزشمند و شایسته احترام پژوهشگران ترک به مولانا پژوهی، اگر از استاد نیکلسون بگذریم، در خشان‌ترین و بنیادین‌ترین تحقیقات در این حوزه، به قلم پژوهشگران معاصر ایرانی رقم خورده است. آیا آقای ناظری با آثار بدیع‌الزمان فروزانفر، جلال همایی، عبدالحسین زرین‌کوب، محمدعلی موحّد از مولوی در فارسی هست؟ نکند حافظ، سعدی و خاقانی را هم ترکیه حفظ کرده؛ کشوری که حتی خط و فرهنگ قدیم خودش را هم نابردانه در پای بازی کثیف سیاست به باد داد؟ آیا مولوی خشت و گل است؟ یا شعر است؟ بعد بفرمایید ببینم این شعر به کدام زبان زنده است؟ شما آواز را به چه زبانی خواندی و مولوی را زنده کردی؟ این چه حرفی است آخر؟! شما دلخوری قبول. یعنی اصلا کی دلخور نیست؟! اما به جان همان مولانا که کار را خراب‌تر از آنچه هست نکن!

نکند حافظ و سعدی و خاقانی را هم ترکیه حفظ کرده؟

امید طیب‌زاده، مدرس دانشگاه و عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی: «منی‌دانم به جانب استاد شهرام ناظری چه بگویم؟ بگویم «چون دوست دشمن است شکایت کجا بریم؟». یا خدای ناکرده بگویم «چون پیر شدی حافظ از میکده بیرون شو!» استاد عزیز، مولوی را شما حفظ کردید که در آن «گل صدبرگ» مرانه فریاد زدید:

چه دانستم که این سودا مرا زین‌سان کند همچون دلبر را دوزخ سازد دو چشم را کند چیه چون حالا می‌فرمای «اگر مولانا ایران بود این هم از بین رفته بود؟» یعنی چه چیز از بین رفته بود؟ گل صدبرگ؟ یا این همه شرح و تصحیح و تفسیر که از مولوی در فارسی هست؟ نکند حافظ، سعدی و خاقانی را هم ترکیه حفظ کرده؛ کشوری که حتی خط و فرهنگ قدیم خودش را هم نابردانه در پای بازی کثیف سیاست به باد داد؟ آیا مولوی خشت و گل است؟ یا شعر است؟ بعد بفرمایید ببینم این شعر به کدام زبان زنده است؟ شما آواز را به چه زبانی خواندی و مولوی را زنده کردی؟ این چه حرفی است آخر؟! شما دلخوری قبول. یعنی اصلا کی دلخور نیست؟! اما به جان همان مولانا که کار را خراب‌تر از آنچه هست نکن!

صحبت‌های ناظری یک خودزنی بزرگ بود

ابراهیم اسماعیلی اراضی، نویسنده و شاعر؛ آقای ناظری گله‌هایی از برخی کم‌توجهی‌ها به مولانا در ایران داشتند. شاید بتوان گفت که بخشی از این گله‌ها حق است اما اینکه مادر چه بستی، چه سخنی بگویم، اهمیت بالایی دارد که به گمانم بخش زیادی از این به‌نوع گفت‌وگو فرهنگی در سرزمین ما بازمی‌گردد. آقای ناظری به واسطه نوع زیست، اقلیم، آموزه‌ها و نوع موسیقی‌شان با اشعار مولانا نسبت دارند اما چند در صد از اهالی موسیقی نسبت به ادبیات اشعار و آگاهی دقیق دارند؟ این صحبت‌ها متأسفانه نشان می‌دهند که آقای ناظری در همین مصاحبت با مولانا بیشتر در گیر هیجانات و احساسات هستند. پرسش مهمی که باید خطاب به این خواننده مطرح کرد، این است که در ترکیه که بستر اساسی مولانا یعنی زبان فارسی تعطیل است، چه اتفاقی افتاده است که ما بخواهیم امتیازی را که آقای ناظری ادعا کرده‌اند تقدیم این کشور - ترکیه - کنیم؟ آقای ناظری در این سال‌ها چقدر از اینکه در برخی آثارشان از اشعار مولانا استفاده کرده‌اند، چه کارهای دیگری برای معرفی شایسته‌تر مولانا انجام داده‌اند؟ هیچ تردیدی نیست که این صحبت‌های آقای ناظری برخاسته از هیجانات و احساسات است؛ به‌خصوص که او در محیطی صحبت کرده که این سخنان برای آن محیط خوشایند بوده است. متأسفانه گفتن این مطالب یک نوع خودزنی بزرگ بود که شاید دیگر کشورهای همسایه را هم برای به‌نامزدن بزرگان ما تشویق کند. ای کاش آقای ناظری یک لحظه از خود می‌پرسید که از کل آثار مولانا چند سطر به زبان‌های غیر فارسی نوشته شده است؟ ای کاش پیش آمدن چنین مسائلی سبب شود که مسئولان فرهنگی و چه‌ره‌های دانشگاهی ما متوجه باشند که اگر به شکل درست و کافی وظایف خود را انجام می‌دهند، چنین صحبت‌هایی در خانه همسایه مطرح نمی‌شود. تنها نکته مثبت ماجرای اظهار نظر آقای ناظری شاید این باشد که چون صریح و بی‌برده بیان شده، تکلیف واکنش جامعه روشن است. این صراحت بسیار، بهتر از کتابه و اهداف پنهانی است که دست بر قفا در ارتباط با مسئله مولانا، بسیار اتفاق می‌افتد. همین اهداف پوینده و پیوسته در حال وقوع است که مانع از شناخت درست و دقیق این شاعر بلندآوازه می‌شود.

